



دو سند مهم

جلال الدین صدیقی هروی

درباره روابط هند انگلیسی با سیاه امیر افغانستان (۱)

از زمانیکه انگلیسها در خاک هندوستان مستقر گشتند و حکومت سرتاسر هند شمالی تا مرزهای افغانستان کنونی را بدست گرفتند، همواره در امور داخلی افغانستان مستقیماً مداخله کرده و بوسیله گماشته های شان که بعنوان "امیر" و نه "شاه" یاد می کردند سرنوشت آب و خاک و جان باشندگان این دیار را در اختیار خود می گرفتند.

یکی از امیران افغانستان که با دخالت مستقیم و با پول و اسلحه حکومت هند انگلیسی بر سراقدرآمدن آمدن آخرین لحظه ای زندگی، وفاداری همه جانبه و کلی نسبت به انگلیسی ها ابراز داشت همانا امیر عبدالرحمن خان بود که بموجب همین محبت و دوستی بی اندازه نسبت به انگلیس به اخذ " نشان شوالیه ستاره هندوستان" از سوی مقامهای عالییه انگلیس نایل گشت.

امیر موصوف بنا بر دو سندیکه در اینجا نقل می شود، نه تنها اداره مردم افغانستان را از سوی انگلیس بعهده گرفت، بلکه موظف شده بود شغل جاسوسی را بر علیه روسیه تزاری و به نفع انگلیس ها نیز بعهده گیرد بدین معنی که امیر موصوف باید نقشه دقیق نواحی مرزی افغانستان با آسیای مرکزی را تهیه دیده و از حرکات و اعمال ماء موری و گماشتگان روسیه تزاری به مقامهای انگلیس در هندوستان اطلاع بدهد.

اینک دو سند مهم یاد شده که در اینجا نقل می شود: (۴)

صورت کاغذ مراسله نمره ۱۱۷ فرمانفرمای هندوستان از محل شمله مورخ ۲۶ ژون

۱۸۸۳ م (از جانب فرمانفرمای هندوستان بنام امیر صاحب والی کابل):

بعدما وجب واضح باد گویا سرکار والا بخاطر دارید که در تاریخ ۲۱ ما ژویه ۱۸۸۰ م سر لیبیل گریفین در موضع ذمه (۵) با سرکار شما چه سخنان بمیان آورد. بشما اظهار داشته بود که حکومت هندوستان تنظیمات حکومتی شما را در افغانستان بواسطه مدد خرج میتواند تکمیل کند و ترقی بدهد تا اینکه مواجب فوج و سرداران خود را بسهولت بدهید و مصارف خود را نیز متحمل شوید، زیرا پس از آنکه امارت شما را در افغانستان امضاء نمودند بدیهی

است که اقتدار واستحکام حکومت شما را طالب میباشند . لیکن با وجود این، شما هم پس از آنکه وارد کابل شده و بر مسند امارت قرار گرفتید خرج و دخل حکومتی خود را مد نظر داشته باشید که مبادا زیاده از حد لزوم تلف نمائید^(۶) . و بسیار مسرور و خوشوقت میباشم از اینکه شما آنچه در باب دوستی و خیر خواهی دولت انگلیس وعده داده بودید ثابت قدم بوده و هستید چنانکه از سبک و سلوک شما بر من معلوم شد که بواسطه استحکام رابطه شما با دولت انگلیس فواید کلیه برای افغانستان بنظر می آید پس بدین ملاحظات مصمم شده‌ام که سالی دوازده لک روپیه (سیصد هزار تومان) بعنوان مدد خرج بشما بدهم تا اینکه از بابت بعضی مخارج آسوده باشید و این مبلغ امدادی ماه بمه بشما خواهد رسید تا موجب لشکر و سپاه خود را بتوانید داد .

شکی نیست که از حالا به بعد بمواعید صادق و تجارب شما اعتماد و اطمینان خواهم داشت چون بواسطه امداد انگلستان بر فواید مملکتی شما افزوده می‌گردد . لهذا لازم است که سرکار والا هم بوضع و اسلوب درستی تنخواه خزانه افغانستان را بمصارف لازمه و مخرج ضروریه برسانید .

راقم دوست صادق شما (رپین) فرمانفرمای و گورنر جنرال کشور هندوستان .

نامه ای از امیر عبدالرحمن خان برای فرمانفرمای کشور هندوستان .

مراسلهٔ نمره ۱۲۱ از طرف امیر کابل بنام جناب گورنر جنرال بهادر فرمانفرمای کشور هندوستان . مورخه ششم شهر رمضان المبارک سنه ۱۳۰۰ هـ ق مطابق یازدهم ژویه ۱۸۸۳ م از محل جلال آباد .

بعد از تعارفات رسمیه دو مراسله مورخه شانزدهم ژون ۱۸۸۳ م مطابق دهم شعبان المعظم سنه ۱۳۰۰ هـ ق آن جناب در جلال آباد بما رسید . از آنجا که قلب من گنجینهٔ دوستی و موء دست از سلامت مزاج شما بسیار خوشوقت و مسرور گردیدم . در یکی از مراسلات محبت آمیز گفتگوهای مسترگرفین را اشاره فرموده بودید که در موضع "زه" مابین ما و مشارالیه رد و بدل گردیده بود که خلاصه آن شعر بر توجه و محبتهای غیر متناهی حکام دولت قوی شوکت انگلیس بمهام افغانستان است و نیز بیان کرده بودید که بواسطه روابطی

که مابین این دو مملکت است، راء ای من براین است که حکومت انگلیس به هیچوجه مداخله در عمل تنظیمات داخله و خزانه افغانستان ننماید اکتفا بهمان دوستی کرده فقط حق همسایگی را بجا آوردن محض رفع مشکلات و بعضی مصارف ضروریه تجویز و تصویب کرده‌ام که سالی دوازده لک روپیه بشما مدد خرج داده شود، و در محبت نامه ثانوی خود جنابعالی ذکری در بارهٔ بلاد سرحدی افغانستان کرده بودید که عبارت از آقچه و سرپل و میمنه و شبرغن

(شیرغان) و اندخوی می باشد و خصوصا " اندخوی از جمله شهر هائیکست که در سرحد شمالی افغانستان واقع است و در عقب آن مسکن و ماء و ای تراکه آزاد می باشد .

بهر حال پس از ملاحظه دو مکتوب شما سرور گردیدم و از مضامین مندرجه آگاهی حاصل شده و از التفاتهای نامتناهی دولت قوی شوکت انگلیس ممنون و شاکر گردیدم ، خاصه از شنیدن این خبر که جناب فرمانفرما چنین تجویزی کرده اند که از نتیجه آن برای دولت افغانه حالت بهبودی متصور است از این به بعد نظم و نسق افغانستان بطور شایسته داده خواهد شد . شکر و تنای امپراطریس و قیصر هندوستان را بجای آورده می گوئیم که طوایف افغانه مدتها بود که در معرض هلاکت افتاده بودند (۱) اکنون تفضل و مرحمت الهی شامل حال آنها گردید که چنین دولت با اقتداری را مراده و روابط دوستی خود را با آنها محکم و مفتوح گردانید . (۷) امید است که افغانه از دوستی و یکجبهتی با دولت انگلیس انحراف نجویند ، پیوسته دست به دعا برداشته از خداوند مسئلت مینمایم که روز بروز شوکت و اقتدار دولت انگلیس روی بترقی گذارد . آمین !

الغرض از سرحدات ممالک شمالی خود اطلاع حاصل کردیم . سابق بر این نوشته بودم اکنون هم نگارش می رود که پیوسته طالبیم که از سرحدات افغانستان واقف شوم تا آنکه کما ینفی رسیدگی نمایم و متصرفات خود را بوجه احسن نگاهداری کنم این اوقات نقشه سرحدات را از حاکم بلخ خواسته ام که بطور وضوح هر قریه و قصبه در آن درج باشد پس از رسیدن محض اطلاع شما خواهم فرستاد و علاوه بر آن نقشه از حاکم بدخشان طلب کرده که از حدود بدخشان مستحضر باشم . باقی سلامت سرکار را همیشه طالب می باشم .

(امیر کابل) .

(۱) سیاه امیر، لقمی است که مردم قندهار برای امیر عبدالرحمن (۱۸۸۰-۱۹۰۱ م) گماشته و حقوق بگیر انگلیس در افغانستان بجهت کشتارهای هولناکی که در سرتاسر افغانستان بنا بر تجویز فرمانفرمای هند انگلیسی راه انداخته بود ، بوی داده بودند به نوشته های جیبی فیلم

۲- کتابخانه نسخ خطی دانشگاه تهران رجوع کنید . از کاری زشت این امیر که موجب تنفروانزجار ریاد مردم افغانستان گردیده یکی هم تشکیل و تاءسیس اداره استخبارات تیا دایره حاسوسی بسیار وسیع بود که شامل زن و مرد می شد و زیر نظر مستقیم شخص امیر قرار داشت . و بنا بر تقاضای ریاد امیر عناصر شریر برای حاسوسی ، خودشان عرضه می کردند که از آن جمله زنی قندهاری بنام مادر محمد امین نار کزائی از امیر اجازه حاسوسی عندالله و مستقیم بحضور شخص امیر تقاضا کرد که پذیرفته شد . این امر موجب گردید تا حواسیس در بین شان به رقابت پردازند و باهم اختلافات ریادی پیدا کنند که این رویه قتل و کشتار بی رویه یکعه

مردم بیگناه را باعث شد. علاوه بر "درقبال چنین دایره وسیع جاسوسی، اداره های خوفناک کوتوالی (توماندانی امنیه و پولیس) وزندانهای وحشت افزا و متعدد امیر قرار داشت.

افغانستان در مسیر تاریخ ص ۶۵۱-۶۵۲

این تشدد امیر وقتی آشکارا گردید که "روزیکه امیر چشم از زندگی پوشید هنوز تنها در زندانهای شهر کابل ۱۲ هزار مرد و ۸ هزار زن بیادگار اداره، او باقی بود و این عده با توجه به عده، ناچیز جمعیت آنروز خیلی زیاد مینماید" ص ۶۵۶ همان کتاب بالا. (۲) جالب است که بعد از اضمحلال و سقوط امیر حبیب الله خان مشهور به خادم دین رسول الله انگلیس ها فرد دیگری را که از سالیان دراز با پول و مستمری انگلیس ها در ناحیه دهره دون هند انگلیس بزرگ شده بود بر افغانستان گماشتند. ارنولد فلیشر نویسنده امریکائی با اشاره به این موضوع چنین می نویسد: یحیی خیل (منظور محمد نادر شاه و برادرانش محمد هاشم، شاه محمود، و شاه ولی می باشند) افزاری بدست انگلیس ها بودند که برای از بین بردن شاه امان الله که از انگلیس و هر آنچه مارک و نشانه انگلیس داشت، متنفر و بدبر بود - گماشته شده بودند.

نویسنده یاد شده برای این نظر خود چنین دلیل می آورد: انگلیسی ها که حاضر نشده بودند یک قران برای شاه امان الله خان کمک کنند به تعداد ده هزار قبضه تفنگ و یکصد و هشتاد هزار پوند سترلینگ به رژیم جدید (رژیم محمد نادر شاه) کمک دادند. چنانچه محمد نادر شاه هم روش خود را در برابر اقوام خارج مرز دیورند تغییر داده و زمانیکه انگلیس ها برای فرونشاندن ناراضیان عشایر مرزی دست به اعمال تشدد آمیز زدند، رژیم محمد نادر شاه، بی تفاوت ناظر کشتارهای بی رحمانه مردان و زنان عشایری بدست انگلیس ها گردید.

آرنولد فلیشر، افغانستان .

چاپ دانشگاه کورنیل، نیویارک ۱۹۶۵ م .

صفحه ۲۲۱-۲۳۲

3- G.C.S.I Knight Grand Cross of the Star of India

تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس، تألیف محمود محمود . ج ۴ ص ۱۰۰۲ .

(۴) نقل از روزنامه اطلاع مورخ شنبه ۸ شعبان ۱۳۰۲ هـ ق = ۲۳ مه ۱۸۸۵ م ش ۱۱۹ .

ص ۳ . به حواله روزنامه کوه نور چاپ لاهور ۲۶ جمادی الاول ۱۳۰۲ هـ ق .

مضافاً یاد آور می شود که انگلیس ها نخستین بار توسط خواهر او "شاه بیوجان" با امیر عبدالرحمن خان باب مکاتبه گشودند . "افغانستان در مسیر تاریخ ۶۳۵ .

(۵) زمه ده است بفاصله ۱۰ کیلومتر در جنوب شرق سرای خواجه متعلق حکومت درجه اول کوه دامن مربوط بولایت کابل، این ده کاملاً دریای کوه بجهای قرار داشته و بیش از

ششصدخانه دارد. قسمت جنوب زمه را کاملاً یک سلسله کوهها وجویبارها احاطه کرده است. طرف شمال آن تپه‌های لامزروع می‌باشد. میوه‌های آن خربوزه، هندوانه، وانگور می‌باشد. قاموس جغرافیای چاپ ۱۳۳۶ کابل ج ۲ ص ۲۷۲.

ملاقات زمه سه روز طول کشید (۳۰ جولائی تا اول اگست ۱۸۸۰ م)

در طی همین مذاکره "زمه" بود که امیر عبدالرحمن در پذیرش شرایط انگلیس‌ها شتاب زدگی از خود نشان داد. وبدین وسیله استقلال سیاسی افغانستان نابود گردید.

افغانستان در مسیر تاریخ، غبار، چاپ کابل
ص ۴۱.

(۶) امیر عبدالرحمن خان این توصیه ومشوره انگلیسها را تا آخر دوره امارتش رعایت نکرد وچندسال بعد یعنی در سال ۱۸۹۳ م برای تمام اعضای عشیره محمد زائی معاش مستمری سالانه منظور کرد. بدین ترتیب که بدون داشتن ماءموریت رسمی برای هر مرد از عشیره محمد زائی سالی ۴۰۰ روپیه و برای هر زن آن سالی ۳۰۰ روپیه می‌پرداخت. این قانون شامل، حتی آن زن عشیره محمد زائی که شوهر غیر محمدزائی هم داشت، می‌شد امیر موصوف بعضاً "برای سرداران که در خارج می‌زیستند نیز از خزانه افغانستان معاش مستمری می‌پرداخت چنانکه برای سردار محمد ابراهیم خان پسر امیر شیرعلی خان که به هندوستان فرار کرده بود سالی ۴۸ هزار روپیه معاش می‌داد در حالیکه در افغانستان برای یک هزار روپیه بیت‌المال یک خانواده از بین برده می‌شد. البته بموجب همین لطف امیر عبدالرحمن خان بود که سرداران کابل بعنوان بزرگان عشیره محمدزائی در سال ۱۸۹۶ م لقب "ضیاء‌المله والدین" را در تمغائی از طلا نقش کرده، و به امیر موصوف پیش کش کردند. امیر این عریضه وعهدنامه سرداران عشیره یاد شده را چاپ کرد، با مقداری مسکوکات طلا ونقره که حاوی این لقب بود در ولایات افغانستان منقسم کرد و روز ۲۶ اسد (امرداد) هر سال را جشن "اتفاق ملت" به تقریب اعطای این لقب معین کرد وهم دستور داد که به "شکرانه این لقب"، ملت افغانستان آنکه زمین داراست هر نفر یک روپیه و آنکه بی‌زمین است هر نفر نیم روپیه و از قشون افغانستان هر فردی از نیم روپیه تا یک روپیه، افسران کوچک از پنج تاده روپیه و افسران بزرگ از پنجاه تا صد روپیه تحویل خزانه دولت نمایند. البته سرداران اعطاء کنند این لقب، از پرداخت پول شکرانه معاف ومعذور شمرده شدند.

افغانستان در مسیر تاریخ، غبار، ص ۶۶۲.